

نسبت دین و دانش

(۲)

(فانتقمنا منهم فانظر کیف کان عاقبة المکذبین) این عناد و لجاج منحصر و مقصور بر طبقه پائین از مردمان جاهل نیست بلکه آن شامل عالیترین طبقات ایشان از رؤسای دینی و دانشمندان میباشد چنانکه از مقالات ایشان برمی آید، آیا مقام مقدس پاپ مثلا آنقدر سعه صدر دارد که حرفی را که میداند آن حق است بپذیرد و آیا اجرات آنرا دارد که بسخن حق نفوه نماید و بزبان بیاورد و چون از این حقیقت ابادارد ناچار انتقامی در کمین این اباداشن او هست و هیچ انتقامی دردنیا از آن بدتر و سخت تر نیست که بیدینان بزکلیسیا مسلط شوند در آن صورت مسئول حقیقی این پیش آمد کسیت؟ مگر نه اینست که او برای عادات متعصب بوده و حقیقت دین را ترک نموده است شکی نیست که شخصیت مقدس پاپ مثلا خود بییقین میداند که تملیث و نزول پروردگار بشکم زنی در روی زمین در مسیحیت ارزشی ندارد و کتاب مقدس آنرا مقرر نداشته و خود میداند که قوانین مادی و عظمت آفرینش چنین عقیده ای را اقرار نمیکند و جماعت شهود یهوه از مسیحیون در صدها هزار از کتابها ثابت کرده اند که از چنین عقیده ای حضرت مسیح بیزار است و کتاب مقدس از آن برائت میجوید و این عقیده از عقاید بت پرستان و باهلیهای کلدانی است و اول کسیکه بدان نفوه نموده نمرود و مادرش سمیراس است که او را بازدواج خود در آورد بوس فلذا ثالوث که پدر و نمرود است که در عین حال پسر است و مادر که سمیراس

است بوجود آمد و این عقیده پس از قرن‌ها بعد از حضرت مسیح داخل در مسیحیت گردید. جماعت شهودیهوه این حقیقت را طوری ثابت کرده است که تردید پذیر نیست با اینحال آیا بر مقام مقدس پاپ که اعلم و بزرگترین رؤسای دینی مسیحی است آسان است که باین حقیقت تفوه و اقرار نموده بدان دعوت کند؟ خوب هر گاه پاپ بر تعالیم کنیسه که کتاب مقدس هم آنرا قبول ندارد جمود کند در آن صورت چه خواهد شد؟!

انسان امر وزی که مقداری از فضا را تسخیر نموده و طمع در تصرف بسیار آن بسته است هرگز ممکن نیست که این عقیده را یا آنچه نزدیک بآن است بپذیرد و هر گاه مسیحی‌ها بآن اصرار داشته باشند کار مشکل خواهد شد و بیدینی جای دین را خواهد گرفت و جامعه انسانی هلاک خواهد شد و این همان انتقامی است که میفرماید «فانتم منا منهم فانظر کیف کان عاقبة المكذبین» برای ادیانی که قبل از اسلام بوده این مثلی را که آوردیم کافی است و چون بر شخصیت مقدس پاپ امری جایز باشد بطریق اولی بر کسانی که از او پائین‌ترند از رؤسای یهود و بر همایان و مجوسیان و بودائیان و کنفوسیوسیان و هر دینی که قبل از اسلام بوده جایز است که اگر بر آنچه هستند اصرار بورزند دیگر دین قدیمی باقی نخواهد ماند و الحمد و بیدینی بر جمیع آنها غلبه خواهد کرد و علوم و صنایع و تجربه‌ها آنها را بعقب خواهد راند.

اینک می‌آئیم سراغ مسلمانان و آنچه را پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله از بدعتها و اوهام و خرافاتی که قرآن کریم از آنها بیزار است بوجود آوردند مذکور میداریم و آنها را نصیحت می‌کنیم در حالیکه ایشان را بیم داده و در عین حال بشارت میدهیم باینکه هر گاه بر بدعت‌ها و ساخته‌های خودشان اصرار بورزند بیدینی چیره گشته و اسلام محو خواهد شد و پر واضح است که دنبال آن عذاب الیم است این آن چیزی است که از آن میترسائیم و اما بشارت میدهیم باینکه هر گاه بقرآن کریم باز گشت کنند و از آن طلب روشنی و هدایت نمایند ابرهای ضخیم بر طرف گردیده و ظلمت‌های هلاکت آورا ز بین میرود و نورانیت دین ظاهر میگردد و از بیدینی عین و اثری باقی نمانده جمیع بشر سعادت مند خواهد شد انسان امر وزی با علم و صنعت و تجربه‌ای که باور داده شده ممکن نیست که بدعت‌های ساختگی اقرار نماید

و برای خود راضی نمیشود که معتقد گردد باینکه خدا بر روی تخت نشسته و فرشتگان در پیرامون او هستند و اینکه اودارای چشم و دست است و در تحت رؤیت مخلوقات خود قرار میگیرد و مخلوق ساخته او میتواند با و ناظر باشد و اینکه او خود بدی میکند در بدان مخلوقات خود را که آن بدی را انجام نداده اند عقوبت مینماید و اینکه اودر مکان یاد زمانی است بوده یا زمان و مکانی از او خالی است و اینکه او می آید و میرود و حرکت میکند و ساکن میشود و از مکانی جدا میگردد و بطرف غیر آن میرود و اینکه او می آفریند و مخلوقات خود را مهمل می گذارد و آثار ابیهوده بخود رها میکند و اینکه او حیات محدودی در ایام معدودی آفریده است و اینکه او نیرو و قدرت و علم خود را بشری از پیغمبر یا امام میدهد و بر آوردن حوائج مخلوقات خود را بچنین بشری و امیگذاارد و غیر از این عقاید که بعد از پیغمبر امین احداث شده است .

و رقص ممکن نیست که انسان امر روزی دینی را قبول کند که شمار آن دمیدن بوقها و شیپورها و نوازندگی با سم عبادت باشد و اوفادادن جنازه ها در اطراف قبرها و کومک خواستن از درخت یاسنگ یا چشمه آب یا بشر زنده یا مرده یا اقرار بدینی که صاحب آن دین به پیغمبر و امام و خانه کعبه و درخت و نان و نمک و بجان پدرش و بریشش و شرفش و بطلاق و عتاق سوگند میخورد مثل اینکه اینها خدایان هستند در صورتیکه پیغمبر (ص) قسم خوردن بغیر خدا را حرام کرده است و امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام هنگامیکه منصور از آن حضرت خواست که بطلاق و عتاق و قربانی و غیر آن قسم بخورد حضرت در حال غضب با و فرمود : « ابا لناد دون الله تأمرنی ان احلف » یعنی آیا بمن دستور میدهی که بغیر نام خدا و به بتان سوگند بخورم ؟

انسان امر روزی ممکن نیست که تسلیم حکم حرمت نشستن بر روی صندلی و سوار شدن بطیاره و اتومبیل و یاد گرفتن صنایع و حرفه ها و علوم فیزیک و شیمی و میکانیك و سخن گفتن با بلندگو و پوشیدن لباس اینفرم برای کارمندان و پرواز بفضا گردد .
محال است که انسان امر روزی باور کند که آسمان دنیا از مس ساخته شده و قرمزی آن دلیل است بر آن و آسمان دوم از زهر جد ساخته شده و سبزی آن دلیل آن است و آسمان سوم و چهارم از طلا ساخته شده و اینکه ماه از نقره ساخته شده و در آسمان اول است و خورشید

در آسمان چهارم است و غیر از این از چیزهایی که در قرآنهای گذشته بوده و در پاره‌ای از کتب تفسیر و احادیث موضوعه نوشته شده و خود خرافه‌ای گشته که سر تا پامسخره است و قرآن کریم از آنها منزّه و سنت نیز آنها را تکذیب مینماید .

آنقدر خرافات و بدعت‌ها زیاد است که بشمار نمی‌آید و همین چیزها است که موجب رواج بیدینی و مبلغین کمراه کننده آن گردیده است و بسیاری از احکام است که قهراً سابق بدان فتوی داده‌اند در صورتیکه بر خلاف آن چیزی است که در قرآن کریم و سنت صحیح آمده است از احکامی که نه در مصلحت افراد بوده و نه در مصلحت جماعات است و اینها است که موجب تنزل در قلوب پاره‌ای از مردمان جاهل گردیده است زیرا اینان پنداشته‌اند که آن مطالب از دین است لذا از آن گریزان گشته‌اند و ندانسته‌اند که از آراء و نظریات رجال است و ربطی بدین ندارد .

پس مردان شمنندان و علمای این عصر اگر بخوشنودی خدا اهمیت میدهند و واجب است که بتمام آنچه بنام دین در دست مردم است و در حقیقت از دین نیست قلم کشیده از بین ببرند و برگردند بکتاب خدا و سنت پیغمبرش تا هم خودشان و هم مردم بدانند که دین همان علم و خیر اندیشی و مصلحت است و آن بگذشت روز کاران و سپری شدن ایام و آمدن زمانهای آینده همچنان باقی و برقرار است دین با مصلحت بشر سازگار و با تطور او همقدم و پیشاپیش تقدم و پیشرفت او است و آن همان عقیده معقول و قوانین مفید است بدینوسیله جمیع بدعتها و اهواء باطل گشته و بیدینی و عقاید و آراء فاسده راهلاکت میسپارد و در جلوی هر چشمی این حقیقت جلوه گر میشود که اسلام برتر از هر چیز است .

«الاسلام فوق کل شیء»